



جایگاه معنوی نور در معماری مساجد ایرانی (بر مبنای حکمت اشراق سهروردی)

محبوبه هوشیار^۱، زینب معمارنژاد^۲، محمدرضا عطایی همدانی*

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، ایران .

hooshyar.m7@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، ایران .

z.memar_8971@yahoo.com

*دکتری معماری، استاد تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، ایران

چکیده

معماری همواره در هر دوره تاریخی تجلی اندیشه‌ها و روحیه والای معماران، هنرمندان، عرفا و اندیشمندان و فلاسفه بوده است و در این میان اندیشه‌های شیخ اشراق سهروردی در باب "نور" و تجلی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وی با نگاهی عارفانه به توحید، مکتب فلسفی جهان‌شمولی را بر اساس نور و ظهور و اصالت ماهیت آن، پایه‌ریزی می‌کند. نور با ابعاد گسترده معنویت و عرفانی که در خود مستتر دارد، در همه‌جا بر کیفیت فضا تأثیرگذار بوده و مسجد به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین بناها در سرزمین‌های اسلامی، عرصه ظهور و بروز نمایش شکوه و تعالی روح انسان و حرکت به‌سوی نور مطلق، به بهترین و زیباترین اشکال ممکن بوده است. در این پژوهش به بررسی دیدگاه شیخ شهاب‌الدین سهروردی (که فلسفه خود را حکمت اشراق به معنای درخشندگی و برآمدن آفتاب نام نهاده و بنیان‌گذار حکمت نوریه است) در مورد نور و جایگاه آن در معماری سنتی مساجد می‌پردازیم. پژوهش حاضر در پی آن است تا در ابتدا ضمن بررسی نگاه خاص سهروردی به موضوع نور بر مبنای آن تعریفی از هنر و زیبایی‌شناسی ارائه دهد و عوامل مؤثر در ذهن و زبان و ناخودآگاه هنرمندان را رهگیری نماید و از آنجا که نور همواره به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ارزش فضایی اماکن مقدس مطرح بوده و اهمیت و جایگاه ویژه و تأثیرگذاری داشته است، معماری مساجد را به طور خاص به‌عنوان یکی از جلوه‌گاه‌های ارزشمند معماری، مورد بررسی قرار دهد. بنای مسجد به‌عنوان محل عبادت خدا، جایگاه انسان را در ابعاد معنوی و الوهیت تشدید نموده و نمود گاه وجوه وجودی اوست. به همین منظور پارامتر نور به‌عنوان اساس وجود خدا و انسان که بر پایه دیدگاه اشراقی استوار است به‌عنوان کلید این پژوهش قرار گرفته است. تحلیل و بررسی عناصر معماری، نقوش و رنگ‌های به‌کاررفته در مساجد و حضور و نقش نور در غنا بخشیدن به آنها منشأ زیبایی درآمیخته با عرفان و الوهیت در هنر اسلامی است که در این فرآیند با بهره‌گیری از منابع و اسناد کتابخانه‌ای مطالعات صورت گرفته به‌عنوان یک پژوهش بنیادی نظری با ماهیت توصیفی به بررسی آن می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: نور، سهروردی، حکمت اشراق، حکمت نوریه، معماری اسلامی، معماری مساجد



۱- مقدمه

کلمه "نور" از لغات دخیله در زبان عربی است و از زبان‌های سریانی و عبری به زبان عربی وارد شده است. این لغت در زبان سریانی به معنای ضیاء و روشنایی به کار رفته است، هم‌چنین در زبان عربی نیز لغت «نار» از ریشه «نور» به کار رفته است که در آن زبان هم «نار» به معنای «آتش و شعله» است. در اغلب ادیان، نور سمبلی از پاکی و نقطه تضاد تاریکی و اهریمن است و خورشید به عنوان منبع عظیم نور و روشنایی زمین، از دیدگاه انسان‌ها در طول تاریخ، مقدس و نمادی از خداوند به شمار می‌رفته است. از نور به دو شکل معنایی، نورهای محسوس و معنوی یا روحانی، تعبیر متعددی استخراج شده است. نور منبع غائی جمال بصری و لازمه دیدن است که در ادیان مختلف، جایگاه والایی به خصوص در اماکن مذهبی به خود اختصاص داده است و به عنوان غیرمادی‌ترین عنصر طبیعت برای رهایی انسان از عالم ماده به عالم معنا است که سبب درک حضور خداوند می‌شود و در بناهای مذهبی همواره به کار برده شده است.

در معماری فضاهای مذهبی، توجه معماران و سازندگان بنا به نور و انعکاس، تابش و ورود نور از مداخل ایجاد شده در بناها و یا تأثیر تابش آن به نقاطی خاص و کتیبه‌ها نمایانگر و تداعی‌کننده معانی والایی بوده است و سبب ایجاد حس روحانی و معنوی و تعلق خاطر مذهبی می‌گردد، این حس و حال برای ایجاد توجه بیشتر به منظور درک بهتر مفاهیم مذهبی و درخشش و نمود هر چه بیشتر آیات و احادیث می‌باشد. آنچه مسلم است افزایش و کاهش نور باعث ایجاد احساس‌های متفاوت در بیننده می‌گردد و بخصوص در اماکن مذهبی، مساجد، امامزاده‌ها و حسینیه‌ها که بسیاری از مسلمانان در فرهنگ و بینش اسلامی به آن تعلق خاطر دارند. علی‌رغم آنچه که در مورد نور به عنوان یک ضرورت فیزیکی بیان می‌شود، نور صاحب ارزش معنوی و اثرات آن بر کیفیت زندگی انسان‌هاست و از آنجاست که در تمامی ادیان، از نور به عنوان عنصری مقدس و معنوی یاد می‌شود و همیشه از آن به عنوان نقطه مقابل ظلمت و تاریکی، منبع برکت، منشأ حقیقت، نشانه حیات و زندگی و ... نام برده می‌شود. ر دین مسیحیت، نور یا نقش واسطه خداوند را ایفا کرده یا خود به طور مستقیم سمبلی از وجود خداوند بوده است. در اسلام نیز به کرات، اهمیت، ارزش و قدسی بودن نور مورد تأکید قرار گرفته است. نقش و تأثیر نور در معماری‌های مذهبی مسیحیت و اسلام غیرقابل انکار است. مسجد و کلیسا دو ساخته برتر معماری هستند که در ادیان اسلام و مسیحیت به عنوان مکانی برای نزدیکی به نقطه وجودی انسان -خداوند- و عبادت او بنا شده‌اند که هر یک به نحوی نور را وارد معماری خود کرده و از آن بهره گرفته‌اند. معمار مسلمان ایرانی با نگاهی اندیشمندانه که متأثر از بینش اسلامی اندیشمندان این سرزمین است نور را چون روحی بر این کالبد تابانیده است تا به آن جلوه‌ای معنوی ببخشد. اندیشه و تفکری که ریشه در مبانی حکمت و فلسفه ایرانی دارد. در اندیشه‌های عارفان از قدیم‌الایام گرایش به نور بارز بوده است. هنرمندان مسلمان ایرانی پیرو دستاوردهای عرفانی و حکمی اندیشمندان مسلمان بوده‌اند و در آثار هنری خود تأثیرپذیری از این نگرش را به منصفه ظهور رسانده‌اند. در میان اندیشمندان، نظریات شیخ اشراق در باب نور تأثیر زیادی بر باور و عملکرد و آثار هنرمندان داشته است. شیخ شهاب‌الدین سهروردی، میراث فکری و اندیشه‌های حکمای یونانی را در تلفیق با حکمت اسلامی، در اندیشه و نظریه فلسفی نوینی، تحت عنوان «حکمت نوری» بنیان‌گذاری نمود. وی در فلسفه خود از نور به عنوان نمادی اصیل و منبع هر وجودی یاد می‌کند. نور در فلسفه سهروردی دارای دو نقش اساسی از جهت وجودشناختی و معرفت‌شناختی است. از لحاظ وجود شناختی، سهروردی کل هستی را به نور و ظلمت تقسیم می‌کند و در اندیشه‌های خود مقصود از نور ظهور حقیقت واحد را می‌یابد.

این پژوهش با بهره‌برداری از دیدگاه سهروردی در خصوص نور، جایگاه نور در معماری مساجد ایرانی را مورد بازشناسی قرار می‌دهد و به این می‌پردازد که نور تنها شاخصه و عنصر غیر مادی و متافیزیکی معماری است که موثرترین و خاص‌ترین نقش را در معنا بخشی به فضای معماری به عهده دارد و در اینجا است که این سؤال پیش می‌آید: که چرا نور در معماری مساجد اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد؟

این مقاله به روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و با استفاده از بررسی‌های کتابخانه‌ای و جستجوی اسناد، مدارک مکتوب و مقالات مرتبط، با مراجعه به منابع و مآخذ موجود در دسترس و مطرح کردن دیدگاه‌های مختلف و تجزیه و تحلیل آنها، تمام وجوه ممکن مسئله را مورد توجه قرار داده‌است.

۲- نور در اندیشه سهروردی



نور مینا و ساختار اصلی حکمت اشراقی است. سهرودی فلسفه‌اش را بر مبنای نور و ظلمت پایه‌ریزی و همه چیز را بر این مینا تقسیم می‌کند و می‌گوید هر چیزی یا نور هست یا نور نیست، آنکه نور نیست از سنخ ظلمت یا تاریکی است. «نور» در حکمت اشراق سهروردی همان جایگاه «وجود» در حکمت متعالیه ملاصدرا را دارد و ظلمت و تاریکی که همیشه در تقابل با نور است، همان نقش عدم را برعهده می‌گیرد. بنا به تقسیم‌بندی سهروردی نور به «نور فی‌نفسه لافسه: نور در خود و برای خود» و «نور فی‌نفسه لغیره نور: در خود برای دیگری»، تقسیم می‌شود. همین تقسیم‌بندی در هستی‌شناسی حکمت متعالیه برای وجود نیز مطرح شده است. به باور سهروردی نور جز ظهور نیست و ظهور نیز همان واقعیت نور است (سهروردی، ۱۳۸۰: ۲۸۶).

از آنرو که نور بسیط است و قابل تجزیه به اجزایی نیست، به حد و رسم منطقی قابل‌تعریف نیست و اساساً بی‌نیاز از آن است. حقیقت نور یکتا و یگانه است و در این حقیقت دوگانگی نیست اما جلوه‌های گوناگون آن دارای شدت و ضعف و است. در دستگاه نظری سهروردی موجودات جهان از منظر نسبت و رابطه‌ای که با نور دارند تقسیم‌بندی‌های گوناگونی را می‌پذیرند. (سهروردی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۰۸ به بعد، سهروردی، ۱۳۸۰: ۲۸۵) و در باور وی لایه‌های جهان هستی متشکل از چهار جهان است: عالم انوار قاهره، عالم انوار مدبره، عالم صور معلّقه و عالم برزخ؛ که نورالانوار در هرم نوری سهروردی، بالاترین جایگاه و مرتبه را دارد. در این خصوص از استشهاد به آیه ۳۵ سوره نور: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»: خداوند نور آسمان و زمین است، یاری می‌گیرد. وی از اوصاف نور محیط، قیوم، مقدّس، نور اعظم و اعلی و نورالانوار برای توصیف این مرتبه از جهان هستی نام می‌برد و در اندیشه وی نورالانوار، تام و غنی مطلق و نور حقیقی است و جز آن نور حقیقی دیگری نیست و سایر نورها از پرتو آن است که درخشند می‌شوند. تاریکی و ظلمت در نگاه سهروردی نبود نور یا فقر آن تلقی می‌شود و حاشیه طیفی از نورهاست. این جهان‌های ظلمانی در زبان سهروردی غسق(تیرگی) خوانده می‌شود. واژه ای مانند نور از مفاهیم پر اهمیت در حکمت اشراق سهروردی می‌باشند و همواره مورد توجه هنرمندان ایرانی قرار گرفته اند .

۳- معنی لغوی نور

نور در فرهنگ دهخدا به معانی روشنایی، ضیاء، سنا و فروغ آمده و کیفیتی است که به‌وسیله حس بینایی درک می‌شود. تابندگی، جلوه، سو و قوه بینایی چشم است (دهخدا، ۱۳۴۸: ۸۵۷) و در فرهنگ عمید به معانی: روشنایی، فروز، روشنایی چراغ یا آفتاب و خلاف ظلمت بیان شده است (عمید، ۱۳۶۲: ۱۰۴۹).

۳-۱- نور و معانی نمادین

ازنقطه‌نظر زبان‌شناسی، این واژه مانند بسیاری از واژه‌های دیگر دارای دو بعد معنایی ظاهری و باطنی است. نور از بعد ظاهری به معنای روشنایی و درخشندگی یا تابش، توانایی دیدن و تابش مرئی الکترومغناطیس در خلأ است و در بعد باطنی که برگرفته از متون دینی و ادبی است نور جایگاهی سمبولیک و قدسی دارد که به معنای تجلی خداوند، حقیقت مطلق و نیکبختی است. چنانچه در حدیث نبوی آمده است اولین چیزی که خداوند آفرید نور بود. (نصر، ۱۳۸۹)

می‌توان گفت عنصر نور در تمامی فرهنگ‌های اولیه بشری و در جوامعی با آداب‌ورسوم و عقاید مذهبی متفاوت در طول زمان به‌عنوان عنصری خدایی محسوب می‌شده و به‌عنوان نماد تعالی، اوج گرفتن، به کمال رسیدن، رویش و اعتمادبه‌نفس و بسیاری خصوصیات عالی دیگر آن را ارج می‌نهادند. از طرفی از دیرباز در بیشترین آثار ادبی دنیا نیز ناکامی‌ها و سختی‌ها را به شب تاریک و تمام امیدها و نویدها را به سپیده‌دم صبح تشبیه کرده‌اند.

۴- تأثیرات روان‌شناختی نور

یکی از عوامل بسیار مهمی که سبب می‌شود انسان با قرارگرفتن در آن احساس شغف کند و بیشترین لذت را از بودن و ماندن در آن محیط ببرد و یا بالعکس در فضاها و مکان‌هایی غمگین، دل‌مرد، افسرده و بی‌قرار شود با اصل مهم نور و نورپردازی ارتباط دارد. بخشی از تأثیرات مثبت یا منفی تماس با نور طبیعی را می‌توان کنش متقابل بین ذهن و جسم تلقی کرد. از سویی قرارگرفتن در معرض خورشید باعث افزایش ترشح هورمون‌های درونی خواهد شد که نتیجه آن بروز حالت شادابی، احساس توان فعالیت، افزایش سیستم سوخت‌وساز در سلول‌ها و توان غلبه بر مشکلات و نهایتاً کاهش میزان استرس‌های روانی در زندگی روزمره خواهد بود از طرفی از بعد حس بینایی، نور



خورشید دارای طیف رنگی گسترده‌ای است و رنگ پدیده‌ها را آن گونه که هستند نشان می‌دهد و گر نه همه چیز در سیاهی و بی رنگی ملال آور و یکنواختی می‌بود.

۵- نور و معماری

نور و معماری به همان مقدار به هم وابسته اند که جسم و نور به یکدیگر وابسته‌اند، زمانی که نور به جسم می‌تابد هر دو موجودیت پیدا می‌کنند. تعریف نور در معماری فقط به روشنایی خلاصه نمی‌شود و مفهوم و معنایی فراتر از تصورات اولیه دارد. از نظر علمی منبع نور هرچقدر با جسم فاصله بیشتری پیدا کند کم سو تر و شعاع آن پراکنده می‌شود، و هنگامی که نور از دریچه کوچکی عبور کند پراکنده و خم می‌شود. نور در معماری مدرن موجب پراکندگی می‌شود در صورتی که در معماری سنتی موجب تمرکز است. اگر به تاریخ رجوع کنیم، می‌فهمیم که جدال بین نور و تاریکی، به نوعی جدال بین خوبی و بدی است؛ برای همین است که تأثیر نور در معماری ایرانی بسیار زیاد است و از جایگاه مهمی برخوردار است. نور خورشید به جهت تفاوت در روز و شب، بر کیفیت فضا تأثیر می‌گذارد و موضوع زمان را مطرح می‌کند، این امر دلیل اهمیت پیدا کردن جایگاه و تأثیر نور در معماری ایرانی است. شاید به همین دلیل است که در آیین‌هایی که نور مظهر پاکی و قداست است، ساختمان‌هایی خلاقانه و هوشمندانه و حتی دارای معنای سمبولیک ساخته شده است. نور در معماری می‌تواند با رنگ‌ها و جلوه‌های متفاوت موجود تغییر حس یک مکان شود به این دلیل که نور در فصل‌ها و اقلیم‌های مختلف، چهره خاص و متفاوتی دارد. معماران ایرانی به طور غریزی یا آگاهانه از تکنیک بازی با نور برای هویت بخشی به فضا استفاده می‌کردند؛ نورپردازی دینامیک، نور متغیر به لحاظ کمیت، جهت تابش و رنگ، موضوع و تکنیک کار آنان بوده است. انواع کاربردیها (تزئینات هندسی گنبدها) ساختارهایی بوده‌اند که وظیفه عمده آنها جذب نور و انعکاس آن به صدها شکل و ایجاد سایه روشن‌های متنوع و جذاب بوده است. (دریای، ۱۳۹۳)

۶- نور در معماری اسلامی

تجلی نور در اعتقادات مردم ایران و در ادیان قبل از ظهور اسلام، مثل دین زرتشتی و کیش مانوی، سابقه‌ای دیرینه داشته و در تمامی ادوار از تمثیل نور برای تبیین تعالیم این ادیان استفاده می‌شده است. نور در معماری اسلامی تأکید بر اصل تجلی است؛ و به تزئین معماری اسلامی کیفیتی پویا می‌بخشد. نور بودن فضا را تعریف می‌کند و به آن هستی می‌بخشد. در واقع نور در معماری اسلامی عنصری هستی‌بخش است نه روشنایی‌بخش. نور و سایه در سطوح، تقابل‌های شدید ایجاد نموده و به نقوش سنگ‌ها و سطوح گچی و آجری بافت می‌بخشد. تزئینات بنا که ساختمان‌های سرزمین‌های اسلامی را همچون شنلی پوشانده با بازتاب نور جلوه‌ای غنی و درخشان را به نمایش می‌گذارد؛ جلوه‌هایی پرمایه که با حرکت خورشید تغییر می‌یابد و به‌رغم اینکه سطح بنا تخت است جلوه‌ای سه‌بعدی به آن می‌دهد.

در دوره اسلامی، بین اندیشه‌ها و نظریات فلاسفه و عرفا، محوری‌ترین بنیاد اندیشه حکمت اشراق سه‌روردی بر نور استوار بود که در ایران گسترش بیشتری یافت. بحث نور و پرداختن به آن از جهات مختلف در شاخه‌های هنر اسلامی ظهور کرد؛ و از دیرباز و از زمان ساخت بناهای یکدست سفید و ساده مساجد اولیه که نشان از غنی مطلق و بی‌پیرایگی و خلوص بوده‌اند، حضور الهی در جزء جزء معماری و در تار و پود طاق و گنبدها و مناره‌های سر به آسمان کشیده و در رنگ‌ها و نقوش‌ها جلوه‌گر بوده است. نور در آمیخته با عناصر معماری که اساساً "به‌عنوان تمثیلی از جلوه وجود مطلق الهی بوده‌اند، نوازشگر چشم و روح بوده است.

در اندیشه و اعتقادات شیخ اشراق نیز آسمان و زمین و هر آنچه که در آنهاست، از نور به وجود آمده‌اند و نور در مرتبه حس، نسبت به ماده در مراتبی عالی‌تر و بالاتر قرار دارد و هرچه به منبع نور نزدیک‌تر شویم و نور خالص‌تر و شفاف‌تری حاصل خواهد شد و از اینجاست که حرکت و عروج به سمت منبع نور هستی و دور شدن از درجات نازل وجودی، با دستان کیمیاگر معمار هنرمند و با بهره‌گیری از عناصر معماری همچون آئینه‌کاری‌ها و موزائیک‌ها و درخشش طلائی و فیروزه‌ای‌رنگ‌ها، در امتداد مقرنس‌ها و گنبدها و مناره‌ها در امتداد نوری الهی و ازلی، به سمت آسمان آغاز می‌گردد.

۷- نور در مساجد

نور همواره یکی از عناصر مهم در معنابخشی فضای معنوی مساجد بوده است و نقش نور در مساجد تأکیدی بر اصل تجلی خداوند در هستی است. در واقع نور، جمال خداوند را در فضا متجلی می‌سازد و به‌عنوان یک عنصر مقدس و معنوی همانند پلی میان عالم ماده و



معنا عمل می‌کند و به‌عنوان یکی از عوامل و مؤلفه‌های مهم در فضا‌سازی معنوی و روحانی مساجد با نقشی انکارناپذیر دارای اهمیت و گستردگی معنایی، بالایی می‌باشد.

معماری مسجد به‌عنوان جایگاه نور و پرتوی از نور خدا، نشان‌دهنده حضور باطنی نور است. آنجا که سهروردی می‌گوید: «قاموا فی هیاکل القربات الظلمات» (سهروردی، 1375، ج. ۲، ۲۳۷) منظور او مسجد است که کالبدی در عالم کون و ظلمات می‌باشد و به‌عنوان یک فضای روحانی، صاحب باطن مخلص را، از طریق عبادت روحانی و نفسانی، به منبع نور و معدن علم می‌رساند و حقایق اشیا بر وی آشکار می‌گردد (شفیعی و بلخاری، ۱۳۹۰: 29) یعنی بنای مسجد، در تشعشع نوری است که از دل او می‌تابد، دلی چون کعبه ای از نور که همه جسم مادیش را منور می‌کند و کدورت و تکائف کالبد مادی را از دیده پنهان می‌دارد.

مسجد به‌عنوان نمونه بارز و شاخص همجواری، ترکیب و رابطه متقابل فرم و معنای برخاسته از مفاهیم عمیق اعتقادی ماندگارترین و درخشان‌ترین آثار معماری ایران را در حیطه خود دارد. در آثار بدیع و بزرگی از این دست دل مشغولی سازندگان ایرانی از مسائل زیبایی‌شناسی فراتر می‌رود و به دیدگاهی از وقوف و معرفت می‌رسد. از نظر هانری کربن، شهاب‌الدین یحیی سهروردی که حکمت اشراق خسروانیان ایران را احیا کرده است، از جمله نویسندگانی است که آثارش از نظر بیان اندیشه مذهبی اسلامی دارای اهمیت است و همواره مورد توجه هنرمندان بوده است و در آثار آنها متجلی شده است. هنرمند ایرانی روح معانی و مفاهیم عالم قدسی را از طریق نمادهایی در قالب صور حسی و به‌عنوان نماینده‌ای از آن مفاهیم متعالی که در برداشتها و تجربه‌های عرفانی خود نهفته دارد، در جان و جسم سنگ و چوب و شیشه و ... می‌دمد.

انعکاس و انکسار نور در مقرنس‌ها، همچنین استفاده از کف و دیوارهای صیقلی برای جذب و بازتاب نور، گنبدهایی که برحسب ساعات مختلف روز و شدت و ضعف نور، چرخان به حساب می‌آیند، سردرهایی که نور خورشید از تزئینات گچی آنها می‌گذرد و به آنها شکل می‌دهد، حتی آینه‌ها و کاشی‌های درخشان و براق، گره‌های در هم بافته درب‌ها و پنجره‌های چوبی و مرمرهای صیقلی درخشان همگی از عواملی هستند که فاکتورهای معماری و اندیشه ذهنی و هدف عرفانی معمار را به وسیله نور بهتر به تصویر می‌کشند؛ به عبارتی نور در مساجد ایرانی-اسلامی با عبور از سطوح شفاف و انعکاس تأثیر زیادی در حس فضایی می‌گذارد و یکی از حیاتی‌ترین عناصر در معماری شناخته می‌شود. استفاده گاه‌وبی‌گاه و غیرمنتظره از نور باعث ایجاد فضای مکث و لایه‌لایه شدن فضای مساجد شده است.

۸- شاخصه‌های حضور نور در معماری مساجد

- ۱- نور به‌عنوان منبع روشنایی و دارای درجات طیفی قوی تا ضعیف و تأمین گرمایش طبیعی توسط عنصر نور
- ۲- ایجاد جذابیت و زیبایی درهم‌آمیخته با ارزش‌های معنوی با بکارگیری آگاهانه قابلیت شفافیت و بازتاب و تابش نور بر کالبد خشک و صلب معماری
- ۳- استفاده از نور به‌عنوان تداعی‌کننده انوار حقیقت و رحمت و معنویت الهی و نمایش جمال زیبا و قدسی حق
- ۴- بازی با سایه‌روشن‌ها و جلوه‌گری نور، بسته به میزان شدت و ضعف انعکاس نور بر روی مصالح و اجزای معماری بنا
- ۵- استفاده از عنصر طبیعی نور، برای نمایش و بروز احساس و تداعی مفاهیمی چون حس حضور، حرکت و تمرکز و مکث از طریق تیرگی و روشنی‌های بدون ارتباط کلامی

۹- بررسی نمونه موردی: مسجد آقابزرگ کاشان

۹-۱- معرفی بنا

ملا محمد مهدی نراقی یکی از مجتهدان کاشانی بود که در زمان تولد فرزندش فوت می‌کند و نام پدر را بر روی پسر می‌گذارند. پسر ملا محمد هم دنباله رو پدرش بود و مجتهد شد. مردم کاشان برای این که پدر و پسر را اشتباه نگیرند، پدر را آقابزرگ و پسر را آقا کوچک نامیدند. از این رو نام مسجد را برای قردانی از کارهای ملا محمد مهدی نراقی، مسجد آقابزرگ نامیدند.



شکل ۱: نمای از داخل مسجد آقابزرگ کاشان

مسجد آقابزرگ با داشتن یک مدرسه در طبقه زیر با پلانی دارای سه شبستان به سبک مدارس چهار باغ و صدر اصفهان ساخته شده است. کتیبه‌های مسجد آقابزرگ توسط محمد ابراهیم، محمد حسین و سید صادق کاشانی که از خوشنویسان برجسته آن زمان بودند، نگاشته شده است. مسجد آقابزرگ ۵ طبقه دارد و دو صحن یا حیاط در بالا و پایین دارد. یکی از نکات اصلی معماری این مسجد این است که مسجد و مدرسه را تلفیق کرده است و در آن همه فضاهای متنوع و مورد نیاز مدرسه و مسجد با هم قرار گرفته است.



شکل ۲: محراب مسجد آقابزرگ کاشان

۲-۹- مؤلفه‌های شاخص مسجد در ساختار نورانی

-محراب، دروازه بهشت (ملکوت نورانی خیال)

محراب اصلی‌ترین محور بنای مسجد، کانون توجه هنرمند معمار است. به طوری که آن را چون گوهری اصیل پرورش داده و با خلوص تمام، ناب‌ترین عناصر تزیینی را برای ساختن آن، بکار گرفته است. محراب، علاوه بر نشان دادن سمت قبله جهت اقامه نماز، نقطه توجهی به سوی خدا و محل جهاد با نفس و وسوسه‌هایش محسوب می‌شود، همچنین پناهگاهی برای سکون و آرامش روح آدمی و حد مطلوب و مقصودی است که دل متوجه بدان می‌باشد. سهروردی به استناد آیه نوریه، حق را منبع نور آسمان و زمین می‌داند. ک: سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۶۴) و همین امر، عامل اصلی زیبایی و معنویت شاخصه محراب، در معماری مسجد است؛ که شخص در آن به بی نهایت پی خواهد برد و محراب به عنوان محملی برای پرواز در اوج نورانیت و تقدس قرار خواهد گرفت.



هنرمند در تلاش برای پدیدار ساختن انوار الهی در جسم رنگ‌هایی است که نشانی از مظهریت نور دارند، رنگ‌های درخشان و پرتالوویی که جلوه گر گذر از چارچوب قالب مادی شده‌اند. رنگ‌ها در مؤانستی شگفت‌انگیز با اشکال و نقوش، در تکراری نمادین، بدون بیان عاطفی آشکار مجموعه‌ای هماهنگ و هم نوا را به وجود آورده‌اند که عالمی پر از اسرار را می‌کشایند که تماشاگاه راز است. (ر.ک: اسکندرپور خرمی، ۱۳۸۰: ۱۸). بی‌جهت نیست که محراب پر است از نقوشی تودرتو و پیچیده اما متقارن و در آنجاست که حداکثر نقوش، در مکانی کوچک کنده کاری می‌گردد و با کاشی‌های هفت‌رنگ و طلائی جلوه‌گری می‌کند. (شکل ۲).

-گلدسته، نمود نگارین عشق هنرمند اشراقی





شکل ۳: مناره های مسجد آقابرگ کاشان

مناره یا گلدسته های مسجد نمونه های نگارینی هستند که زاینده و ثمره عشق هنرمند برای وصول به نورانیت نهفته در آسمان و زمین است. نور (کلمه الله) برخاسته از مناره یا گلدسته، دلیل و راهنمای مؤمنین بوده و از طریق ذکر و ابلاغ مضامین اسلامی، با ابلاغ پیامهای آسمانی و الهی، روشنایی بخش مسیر انسان و نجات بخش وی از گمراهی او در بیکرانی زمان و زمین خواهد بود و این همان نوری است که علاوه بر گلدسته، کل فضای معماری اسلامی را در بر گرفته و مطابق آیات شریفه قرآن یادآور این هستند که نور هدایتگر، جلوه گر است و کسانی که به پژواک آن گوش می سپارند، به محضر الهی منتقل می شوند و حس حضور پروردگار را در انسان زنده می کنند.

-گنبد نمود عرش الهی

گنبد در این مسجد در کمال خلوص و بی پیرایگی به عنوان یکی از نمادهای عرفان اسلامی، و نماد کرویت و دایره شکوه خود را به نمایش می گذارد. در مفاهیم معنایی دایره و منحنی نماد فضای افلاکی و مربع و شکل های نزدیک به آن نماد زمین، خاک هستند. هما نگونه که آیه نور، محراب را به عنوان محل عروج به سوی منبع نور آسمان و زمین می شناساند، گنبد استوار بر پایه هندسی دایره (به عنوان مظهر حرکت و آسمان، چه در سطح و چه در فضا) را نیز انعکاس تصویری از ملکوت، نور و روشنایی معرفی می کند. کاربرد رنگ و نقش در گنبد و تزئینات داخل آن، یادآور ملکوت بهشت است. در زیبایی شناسی، گنبد نماد سبکی و سمبلی از نمونه خویش یعنی آسمان است. گنبد، در تمام جنبه های تجلی خود، مقام عرش الهی است.



شکل ۶: تزئینات سقف ورودی مسجد

– شمسه، بارزترین نماد الوهیت و نور وحدانیت

تجسم بصری و نمادین شمسه به عنوان عنصری مهم و مورد توجه هنرمندان، در دور به خود اختصاص داده است. شمسه در هنرهای تزئینی مختلف از جمله کاشیکاری، مانند و نزدیک به دایره است. که در معماری مسجد حضور بسیار بارزی دارد. در نگاه های صدفگون اطلاق می شود؛ گویی کانون نوری است که بیشتر طاسه مقرنس های بافته از چندضلعی ها، یادآور نظام یکدست بلورین عالم مادی و غیر ذی روح است، که شده در آن، بیشتر تداعی آسمان است و انسان را مستقیم و غیر مستقیم به جهانی ف خلاص کردن فضای مسجد از سنگینی، آن را به شکل سیال درمی آورد، تا فضایی بیرون را از یاد انسان می برد. نقش خورشید و ستاره ها، نشان از همسانی و سازگاری آینه ای، رؤیایی و افسون می کند و مستقیم و غیرمستقیم توجه انسان را، از زمین و گرسری زمین به آسمان و سدی آسپاس آن می کشاند.

شکل ۶: تزئینات سقف ورودی مسجد



نتیجه گیری

شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق) آغاز گر فلسفه ای بود مبتنی بر نور. او معتقد بود که هستی غیر از نور چیزی نیست و هر آنچه که در جهان بوجود آمده و یا خواهد آمد، نور است و به استناد آیه های ۳۵ و ۳۶ سوره مبارکه "نور" علت غائی هستی و وجود عالم چیزی به جزء نور نیست. نوری که مبداء سراسر عالم است و بدون آن همه چیز خفی بالذات و پنهان است، و از آنجاست که نور در حکمت اشراق سهروردی می تواند مبنی و مظهر بروز و ظهور ساحات نورانی برخاسته از جلوه‌های زیبایی‌شناسی و در قالب آثار هنری متعالی باشد؛ و به واسطه تکنیک و ابزار در دست هنرمند، به عنوان تجلی‌گاه معنوی و روحانی هنر، راز و رمزهای نهفته در لایه‌های حقایق هستی را نمایان سازد. نور به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل ارزش فضائی معماری، غیرمادی‌ترین عنصر محسوس طبیعت است که تجلی آن در مفاهیم و عناصر معماری ایرانی نشان از ظرافت‌های عرفانی و معنوی روح هنرمند دارد و از آنجا که تجلی مفاهیم در عرصه معماری یک راه ساده نیست؛ چنانچه این تجلی به نحو احسن انجام یابد؛ ابعاد بیشتری از وجود انسانی درگیر شده و معماری به هدف خود نایل خواهد آمد. شاید بتوان به قطعیت گفت مهم‌ترین عرصه بروز نور و تجلی آیه مبارکه نور در معماری ایرانی، مساجد بوده‌اند. گنبد، محراب و گلدسته‌ها مناره‌ها، بازی رنگ و نور در رواق‌ها و شبستان‌ها، شمسه و اسلیمی و مقرنسهای در هم بافته در جان آجر و کاشی و سنگ و گچ و انعکاس نور و سایه بر روی رنگ‌های زرد و طلایی و لاجوردی کاشی‌ها روح آدمی را در پس توازن جهان مادی و نورانی به سمت عروج ملوکت سوق می‌دهند و از اینجا است که معمار امروز برای طراحی هر فضا، باید ماهیت آن را خوب بشناسد و به درکی از روحیات آن فضا برسد که بتواند آن را به بهترین شکل ممکن طراحی کند به نحوی که امروزه هم مسجدی به مانند قدیم داشته باشیم و در آن دل هر انسان منقلب و حال او را برای ذکر و عبادت آماده شود.



فهرست مراجع

۱. ابوریان، محمدعلی. (۱۳۷۲). *مبانی فلسفه اشراق از دیدگاه سهروردی*. (مترجم: محمدعلی شیخ). تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۲. پور عبدالله، حبیب. (۱۳۸۹). *حکمت‌های پنهان در معماری ایران*، چاپ اول، تهران: کلهر.
۳. دریای، لعل ب. (۱۳۹۳). *هویت مفهومی قابل تامل در معماری امروز ایران، دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری*
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۴۸، *فرهنگ نامه دهخدا* (حرف ن) تهران، شرکت چاپ ۱۲۸.
۵. ستاری، سارابانقلی، (۱۳۸۰). عرفان، - نور، رنگ در معماری مساجد، *مجموعه مقالات دومین همایش معماری مسجد، تهران، نشر دانشگاه هنر*.
۶. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۷). *حکمت الاشراق*، سید جعفر سجادی، تهران، دانشگاه تهران.
۷. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۵). *مجموعه مصنفات، مجلدهای ۱، ۲، ۳، ۴*، چاپ دوم، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
۸. فاطمه شفیعی؛ علیرضا فاضلی و محمدجواد آزادی. (۱۳۹۳)، بررسی تجلی رمز نور در معماری اسلامی بر مبنای نگاه اشراقی سهروردی به نور و تأکید بر شاخصه‌های مساجد اسلامی، *فصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی شماره سوم*، پاییز ۱۳۹۳
۹. ضیاءبخش؛ ندا و مختاباد امرائی؛ سید مصطفی. (۱۳۸۹). *معنا بخشی عبادی نور طبیعی در فضاها*ی معماری دو فیلم " نور زمستانی برگمن و پری مهرجویی " *نشریه هنرهای زیبا، هنرهای نمایشی و موسیقی*، شماره ۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۱۰. عمید، حسن. (۱۳۶۲). *فرهنگ نامه عمید (حرف ن)*، چاپ هجدهم، تهران، امیرکبیر.
۱۱. مددپور، محمد. (۱۳۷۴). *تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی*، تهران موسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۲. ناییب، ب (۱۳۸۱). *حیات در حیاط: حیاط در خانه‌های سنتی ایران (اصفهان، کاشان و تهران)*. انتشارات نزهت.
۱۳. نصر، س، ج (۱۳۸۹). *هنر و معنویت اسلامی*، انتشارات حکمت.
۱۴. نصر، سید حسین. (۱۳۷۰). *جاودانگی و هنر*. (مترجم: سید محمد آوینی). تهران: انتشارات برگ.
۱۵. نوربخش، سیما (۱۳۸۶). *آیت اشراق: تفسیر و تاویل آیات قرآن کریم در آثار سهروردی*، تهران: مهر نیوشا.
۱۶. وفایی، عباسعلی؛ نزهت، بهمن (۱۳۸۸). *در پرتو انوار معنوی (تحلیلی از ساختار تجربه عرفانی عرفا در باب نماد نور)*، *ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س)*، ۱، ۱۶۹-۱۹۸.
۱۷. یارزاده، محمد و یغمایی، علی. (۱۳۸۴). *بازخوانی استعاره ایجاز نور در کالبد معماری مساجد ایران*، تهران، نشر فرهنگ.